

جایگاه تحلیل گفتمان در واکاوی متون ادب فارسی

سهیلا فرهنگی*

چکیده

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) یا سخن کاوی چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (بافت متن) و عوامل برون‌زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند. تحلیل گفتمان رویکردی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه ساختار متون می‌پردازد و برای آنکه چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون را مورد بررسی قرار می‌دهد.

رویکرد تحلیل گفتمان هرچند در ایران به وسیله زبان‌شناسان معرفی شد، اما به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای‌اش مورد توجه محققان دیگر رشته‌ها از جمله جامعه‌شناسان نیز قرار گرفت. عده‌ای بیشتر به جنبه فوکویی آن می‌پردازند و به رابطه زبان، ایدئولوژی و گفتمان‌شناسی سیاسی توجه نشان می‌دهند و عده دیگری که زبان‌شناسان در رأس آنان قرار دارند به تحلیل گفتمان از جنبه زبان‌شناسی آن و مخصوصاً به زبان‌شناسی متن‌بنیاد و نظریات هالیدی گرایش دارند. البته تحلیل گفتمان در حوزه ادبیات بیشتر با مباحث زبان‌شناسی و معناشناسی در ارتباط است. در دهه هشتاد، نویسندگان علاوه بر پرداختن به مباحث نظری تحلیل گفتمان به تحلیل گفتمانی متون ادبی نیز توجه نشان دادند و مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شد. پایان‌نامه‌های زیادی نیز در زمینه تحلیل گفتمان به زبان فارسی نوشته شده است که تعدادی از آنها به تحلیل متون ادبی اختصاص دارند. بررسی این نمونه‌ها نشان می‌دهد که نویسندگان آنها بیشتر از الگوی هالیدی و حسن بهره گرفته‌اند؛ آنان با بهره‌گیری از مبانی نظری دستور نقش‌گرایی

* استادیار دانشگاه پیام نور مرکز رشت

هالیدی به بررسی ساخت متنی، ساخت اندیشگانی و ساخت بینافردی متون ادبی توجه نشان داده‌اند و پس از آن الگوی تحلیل گفتمانی هج و ون لیوون مورد توجه این پژوهشگران بوده است.

به‌طور کلی از سه رویکرد در تحلیل گفتمان می‌توان سخن گفت: تحلیل گفتمان ساختگرا که برای تحلیل زبان در سطحی بالاتر از سطح جمله به کار گرفته می‌شود؛ تحلیل گفتمان نقشگرا که اولویت را به بافت کاربرد زبان می‌دهد؛ و تحلیل گفتمان انتقادی که بافت‌های وسیع‌تر اجتماعی، قدرت و ایدئولوژی را نیز در تحلیل به کار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، میان‌رشته‌ای، متون ادبی، زبان‌شناسی، ساختارگرایی

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان را اولین بار زلیگ هریس در سال ۱۹۵۲ به عنوان روشی برای تحلیل زنجیره کلام یا نوشتار به کار گرفت. از دید او تحلیل گفتمان یعنی ادامه رویکرد زبان‌شناسی توصیفی اما در حدی فراتر از جمله و ارتباط و همبستگی بین فرهنگ و زبان (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۱). گفتمان را «تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) نیز دانسته‌اند. بعضی نیز گفتمان را مجموعه به‌هم‌تافته‌ای از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷).

استفاده رویکرد تحلیل گفتمان از اصطلاحات زبان‌شناسی سبب شده است که عده‌ای تحلیل گفتمان را «شاخه علمی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی» (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: نه) بدانند، این در حالی است که جامعه‌شناسان به دلیل آنکه تحلیل گفتمان به بررسی کارکرد زبان در جامعه می‌پردازد آن را متعلق به حوزه خود می‌دانند. به نظر یوهان سون، همه آنهايي که به تجزیه و تحلیل گفتمان می‌پردازند الزاماً زبان‌شناسی را مدل کار خود قرار نمی‌دهند و از پدیدارشناسی که شاخه‌ای از فلسفه است نیز بهره می‌گیرند (ر. ک. یوهان سون، ۱۳۸۷: ۱۲۸). باید توجه داشت که بین‌رشته‌ای بودن این رویکرد می‌تواند نشان‌دهنده این نکته اساسی باشد که تحلیل گفتمان رویکردی است که از تعامل رشته‌های گوناگون از جمله زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، نقد ادبی و... به ظهور رسیده است.

از آنجا که امروزه تحلیل گفتمان به عنوان یکی از روشهای بازخوانی متون به کار